

تحلیل پیشنهاد ساخت «بنا» و «مسجد»

بر اصحاب کهف از دیدگاه فریقین

(و ارتباط آن با مسئله ساخت قبور صالحان و مسئله زیارت)*

- زهره اخوان مقدم^۱
- مجید زیدی جودکی^۲

چکیده

در عصر جدید، پژوهش‌های تطبیقی بین مذهبی عمدتاً در حوزه شیعی با هدف بررسی دیدگاه‌های فریقین و نقد و ارزیابی آن‌ها در حال انجام است. در همین راستا، این نوشتار به بررسی آیه بیست و یکم سوره کهف که دیدگاه‌های مفسران فریقین و همچنین روایات تفسیری اهل بیت، صحابه و تابعان درباره آن متفاوت بوده، پرداخته است. بدین صورت که نظرات مفسران صحابه و تابعان از یک سو و روایات اهل بیت از دیگر سو گزارش شده و سپس با تطبیق نظرات مفسران شیعه و اهل سنت، آرای آنان ارزیابی گردیده است. از رهگذر این بررسی تطبیقی، حاصل شد که پیشنهاد ساخت مسجد بر اصحاب کهف، از سوی بدعت‌گذاران و مشرکان نبوده، بلکه از طرف موحدان بوده است. از دلایلی که برای تأیید این نظریه از آن بهره گرفته شد، می‌توان به سیاق آیه، سیاق

* تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۵/۳۰ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۰/۱۲.

۱. دانشیار دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم (dr.zo.akhavan@gmail.com).

۲. دکتری علوم قرآن و حدیث (نویسنده مسئول) (majidjody@gmail.com).

و محور اصلی سوره و آیات دیگر مشتمل بر «بنا»، و نیز سکوت قرآن در برابر این پیشنهاد اشاره کرد. از سوی دیگر به شبهاتی که از سوی اهل سنت به این نظریه وارد شده، پاسخ داده شده است.

واژگان کلیدی: سوره کهف، مسجد، سیاق، وهابیت، ساختن قبور، زیارت،

مطالعه تطبیقی.

مقدمه

قرآن که معجزه جاوید پیامبر ﷺ و کلام نوربخش الهی است، سرشار از معارف عظیم بوده و دریایی است که ژرفای آن را نمی‌توان درک کرد، شگفتی‌های آن پایان نداشته و اسرار نهفته آن بی‌پایان و با تکرار، هیچ‌گاه گرد کهنگی بر آن ننشسته و همیشه تازه می‌باشد. علما و دانشمندانی نیز که به تدبر و پژوهش درباره آن مشغول بوده‌اند، از آن سیری نداشته و تمام عمر خود را در راه فهم کلماتش و کشف مقاصد، مفاهیم، دستورات و حکمت‌هایش صرف کرده‌اند تا آنجا که تألیف‌های بی‌شمار و ارزشمندی را از خود برای پسینیان به یادگار گذاشته و متناسب با هر عصری و وابسته به مقتضیات آن عصر از شیوه‌های متنوعی بهره گرفته‌اند. گاهی آیات قرآن را از اول تا آخر به نوبه خود بررسی نموده (تفسیر ترتیبی) و گاهی نیز موضوعی از موضوعات را انتخاب و درباره آن بحث کرده‌اند (تفسیر موضوعی). در عصر جدید نیز عده‌ای به این فکر افتادند تا با شیوه‌ای جدید به کشف معنایی آیات پردازند؛ بدین گونه که نظرات مختلف ارائه‌شده راجع به آیات را کنار هم قرار داده و به بررسی آن‌ها پرداخته‌اند تا موارد اختلاف و ائتلاف آن‌ها را مشخص نمایند و در صورت امکان، برخی از نظرات را ترجیح دهند یا نظری جدید ارائه نمایند. این طریق، شیوه موازنه، تطبیق و مقارنه نامیده می‌شود. تفسیر تطبیقی در زبان فارسی، معنایی متفاوت از معنای تفسیر تطبیقی در زبان عربی دارد؛ در عربی به معنای اجرا، عملی و کاربردی کردن تعالیم قرآن است، اما در حوزه زبان و فرهنگ فارسی، مقصود از تفسیر تطبیقی، مطالعه‌ای مقایسه‌ای در حوزه تفسیر است (جلیلی و عسگری، ۱۳۹۳: ۷۵). این مقایسه می‌تواند در حوزه‌هایی متنوع از تفسیر آیات قرآن انجام گیرد. یکی از حوزه‌های تفسیر تطبیقی که

امروزه عمدتاً در فضای شیعی رواج و رونق دارد، مطالعات بین مذهبی یعنی بررسی تطبیقی موضوعات علوم قرآنی و تفسیری میان شیعه و اهل تسنن است؛ موضوعاتی که غالباً میان این دو فرقه مورد اختلاف است و محققان شیعه در بیشتر مواقع با هدف دفاع از مذهب خود، نه اختلاف افکنی و ایجاد شکاف میان امت اسلام، و گاه نیز با هدف تقریب میان مذاهب اسلامی آنجا که اختلافات میان دو فرقه آشکار و ریشه دار است به آن می‌پردازند. در این حوزه از مباحث تطبیقی، در بخش تفسیر قرآن، تفسیر آیات بسیاری از قرآن مورد اختلاف شیعه و اهل تسنن است و تا کنون ده‌ها پژوهش و بحث تطبیقی در خصوص آیات مورد اشاره در طول تاریخ تفسیر انجام گرفته است.

یکی از آیات مورد بحث و اختلاف، آیه ۲۱ سوره کهف می‌باشد. دیدگاه مفسران شیعه و اهل سنت در تفسیر این آیه شریفه، متفاوت و مورد اختلاف است. از این رو در مقاله حاضر، در پرتو یک بررسی تطبیقی درباره آرای مفسران فریقین در تفسیر آیه یادشده تلاش می‌شود تا با نقد و بررسی دیدگاه‌ها، تفسیری روشن از آیه ارائه و به سؤال‌های زیر پاسخ داده شود:

۱. اختلاف مفسران شیعه و اهل سنت در تفسیر آیه ۲۱ سوره کهف چیست؟ دلایل و مستندات مفسران فریقین کدام است؟
۲. با توجه به آیه ۲۱ کهف، پیشنهاد ساخت مسجد بر اصحاب کهف از طرف مؤمنان مطرح شده است، یا از سوی بدعت‌گذاران و مشرکان؟
۳. کدام یک از دیدگاه‌های مفسران فریقین ترجیح دارد؟ دلایل این ترجیح چیست؟
۴. آیا آیه ۲۱ سوره کهف را می‌توان دلیلی بر مشروعیت و جواز ساخت قبور بر صالحان دانست؟

۱. پیشینه تحقیق و اهمیت آن

درباره موضوع، منبع مستقلی به طور خاص در قالب کتاب یا مقاله یافت نشد. البته در منابع تفسیری، ذیل آیه ۲۱ کهف مطالبی آمده، ولی هیچ یک به شکل مقایسه‌ای و تطبیقی دیدگاه‌های فریقین و مستندات آنان را به بحث ننشسته و نقد و بررسی نکرده است. گفتنی است چند مقاله به گونه‌ای با این تحقیق ارتباط می‌یابند که به آن‌ها اشاره

می‌شود:

۱. «آیا بنا بر روی قبور جایز است؟» (سبحانی، بی‌تا: ۶-۱۴). مؤلف برای اثبات مشروعیت بنا بر قبور پاکان، به ادلهٔ مختلفی استناد کرده و دستاویزهای وهابیان برای تخریب قبور را مورد نقد قرار داده است. این مقاله کوتاه چنانچه پیداست، ناظر به آیهٔ مورد بحث و اختلاف برداشت‌ها در آن نیست.
۲. «بررسی فقهی مکان نماز در کنار قبور معصومین علیهم‌السلام» (عندلیبی، ۱۳۹۵: ۷-۳۹). مؤلف به بررسی روایات حرمت اقامه نماز در اطراف قبور ائمه علیهم‌السلام پرداخته و به این نتیجه رسیده است که بهتر است نمازگزار رو به قبر نایستد، بلکه در سمت چپ یا راست آن قرار گیرد تا توهم غلو و پرستش قبر پیش نیاید. این مقاله چنان که از نامش پیداست، رویکرد فقهی دارد نه تفسیری.
۳. «زیارت قبور و دلایل عالمان شیعه بر مشروعیت آن» (فرمانیان و صداقت، ۱۳۹۲: ۱۴۱-۱۶۶). مؤلفان برای اثبات مشروعیت زیارت قبور، به آیات ۶۴ سورهٔ نساء، ۳۲ سورهٔ حج و ۸۴ سوره توبه استناد کرده و به این نتیجه رسیده‌اند که زیارت قبر پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، معصومان علیهم‌السلام، بزرگان دین و مؤمنان مشروع است. آیاتی که در این مقاله مورد بحث قرار گرفته، آیهٔ مذکور سورهٔ کهف نیست. نیز محور اصلی مقاله، موضوع «مشروعیت زیارت» است، و نوع نگاه آن به مسئله اساساً تفاوت دارد.
۴. «ساخت بنا بر قبور در بررسی نگاه شیعه و سلفیه» (پوراسماعیل، ۱۳۹۵: ۱۰۷-۱۲۶). در این پژوهش، روایتی از امام علی علیه‌السلام در کتاب مسلم نیشابوری مورد نقد قرار گرفته که در آن، بنای بر قبور حرام شمرده شده است و سلفیه به آن استناد کرده‌اند. مقاله بر اساس آیات قرآن، سیرهٔ معصومان علیهم‌السلام و عملکرد صحابه، روایت مزبور را بررسی نموده و به این نتیجه رسیده است که سیرهٔ مسلمانان در تمام بلاد اسلامی بر این مبنا بوده که بر قبور بزرگان دین بارگاه بسازند. البته این مقاله، ناظر به آیهٔ سورهٔ کهف نمی‌باشد.
۵. «مشروعیت دعا نزد قبور اولیاء الهی» (رضایی، ۱۳۹۴: ۱۰۷-۱۳۱). این مقاله بعد از تبیین مسئله و نقل نظرات وهابیت درباره حرمت دعا نزد قبور و به ویژه قبر پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، به نقد و بررسی آن پرداخته و با بیان و تحلیل برخی احادیث، مشخص کرده که قول و سیره پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم بر مشروعیت دعا نزد قبور دلالت دارد. این پژوهش اگرچه می‌تواند در

موضع روایات، مؤید مقاله حاضر باشد، ولی مسئله آن، قرآن محور نیست و رویکرد حدیثی دارد و به نتایج فقهی انجامیده است.

بر این اساس، تا کنون هیچ پژوهشی به صورت تطبیقی آیه ۲۱ کهف را در تفاسیر فریقین، برای اثبات یا عدم اثبات مشروعیت ساخت بنا مورد بررسی قرار نداده است. از این رو نوشتار حاضر در صدد جبران این نقیصه برآمد.

بحث پیرامون مشروعیت یا عدم مشروعیت ساخت مسجد و بنا بر قبور صالحان، یکی از بحث‌های دامنه‌دار و مورد اختلاف میان شیعه و اهل سنت بوده و یکی از مستندات هر دو برای تقویت دیدگاهشان، آیه ۲۱ سوره کهف است. شیعیان آیه را دلیلی بر مشروعیت ساخت مسجد دانسته‌اند، ولی اهل سنت آن را دلیلی برای عدم مشروعیت شمرده‌اند. هر یک از فریقین در چگونگی استفاده از آیه برای تقویت دیدگاهشان، به گونه‌ای متمایز عمل کرده‌اند. شناخت معنای آیه از طریق مقایسه اندیشه‌ها و ادله مفسران فریقین می‌تواند پاسخ قابل ملاحظه‌ای به این شبهه باشد.

۲. مروری بر سوره مبارکه کهف

سوره کهف هجدهمین سوره قرآن است که ۱۱۰ آیه دارد و همه آیات آن به جز آیه ۲۸ مکی هستند. در این سوره به مردم توصیه شده است تا به حق اعتقاد داشته باشند و عمل صالح انجام دهند. کهف به معنای غار در کوه است؛ به همین دلیل، نام این سوره «کهف» نهاده شده، که داستان اصحاب کهف در آن آمده است. نام دیگر این سوره «حائله» است؛ زیرا سوره کهف حائل بین آتش جهنم و قاریان و عاملان به آن خوانده شده است. سه داستان مهم در سوره کهف مطرح شده‌اند که عبارت‌اند از: ماجرای اصحاب کهف، داستان موسی و خضر علیه السلام و حکایت ذوالقرنین. اگرچه این سه ماجرا به ظاهر بسیار متفاوت هستند، اما جمع آن‌ها در یک سوره، نمی‌تواند بدون هدف و غرض باشد، خصوصاً اگر گوینده، خداوند حکیم باشد.

درباره چرایی نزول سوره کهف نقل شده است که عده‌ای از قریش می‌خواستند از یهودیان مسائلی را بیاموزند و با آن مسائل، پیامبر صلی الله علیه و آله را بیازمایند. یهودیان گفتند: سه سؤال از او پرسید، اگر به دو سؤال جواب مفصل و به سؤال سوم جواب سربسته بدهد،

دعوت او حق است و چنانچه از عهده سؤالات برنیاید، ادعایش حقیقت ندارد (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۲۴۴/۱۳). سؤالات سه گانه به شرح زیر است:

الف) چه کسانی شهر و قوم و قبیله خود را ترک کرده و به غاری در خارج از شهر پناه بردند؟ تعداد آنان چند نفر بود؟ و شرح حال آنها چیست؟

ب) مردی که بر شرق و غرب عالم مسلط شد، که بود؟ و چه برنامه‌ای داشت؟ پاسخ این دو سؤال را باید مفصل بدهد.

ج) حقیقت روح چیست؟ این سؤال یک سؤال فلسفی است و پاسخی اجمالی دارد.

۳. آیه ۲۱ سوره کهف و نکات مهم و مورد اختلاف در آن

خداوند در این آیه می‌فرماید: ﴿وَكَذَلِكَ أَغْتَرْنَا عَلَيْهِمْ لِيُغْلَبُوا أَنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَأَنَّ السَّاعَةَ لَا رَيْبَ فِيهَا إِذْ يَتَنَزَّعُونَ مِنْهُمْ أَمْرَهُمْ فَقَالُوا ابْنُوا عَلَيْهِمْ بُيُوتًا رَبُّهُمْ أَعْلَمُ بِهِمْ قَالَ الَّذِينَ غَلَبُوا عَلَىٰ أَمْرِهِمْ لَنَتَّخِذَنَّ عَلَيْهِمْ مَسْجِدًا﴾؛ بدین سان مردم را به حالشان آگاه کردیم تا بدانند که وعده خدا راست است و در قیامت تردیدی نیست. آنگاه درباره آنها با یکدیگر به گفت‌وگو پرداختند و گفتند: بر روی آنها بنایی برآورید - پروردگارشان به کارشان آگاه‌تر است - و آنان که بر حالشان آگاه‌تر شده بودند، گفتند: نه، اینجا را مسجدی می‌کنیم.

نکات مورد بحث در آیه عبارت‌اند از:

اولاً، ایده و گفتار «برای آنها بنایی بسازید»، سخن کیست؟

ثانیاً، پیشنهاد ساخت مسجد: ﴿لَنَتَّخِذَنَّ عَلَيْهِمْ مَسْجِدًا﴾ از کیست؟ و نیز «آنها که

غلبه کردند»، چه کسانی هستند؟

ثالثاً، ساختن مسجد بر قبور ایشان برای مدح آنان است یا برای فراموش کردن

خاطره آنها؟

اینک از طریق بررسی روایات شیعه و اهل سنت و نیز دیدگاه‌های مفسران هر دو

فرقه و بر اساس سیاق همین آیه و نیز روند کلی سوره، آیه فوق مورد مطالعه قرار

می‌گیرد.

۴. مستندات روایی پیرامون آیه مورد بحث در داستان اصحاب کهف

ابتدا روایات موجود در منابع فریقین را مورد توجه قرار می‌دهیم.

۱-۴. روایات منسوب به اهل بیت مرتبط با آیه ۲۱ سوره کهف

در تفسیر آیه ۲۱ سوره کهف، روایتی ویژه از اهل بیت علیهم‌السلام نقل نشده است. تنها در یک روایت طولانی از امام علی علیه‌السلام آمده است: در مدت زمانی که اصحاب کهف در خواب بودند، مردم آن دیار با گذشت سه قرن همگی به خدای بزرگ ایمان آوردند. در هنگام بیدار شدن اصحاب کهف نیز سرپرستی آن دیار در دست یک نفر مسلمان و یک نفر مسیحی بود. والی مسلمان می‌گفت: این‌ها به دین من مرده‌اند و باید بر در غار آن‌ها مسجدی بنا کنم و مرد نصرانی می‌گفت: بر دین من مرده‌اند و باید در اینجا دیری بسازم! گفت‌وگو در بین آن‌ها در گرفت و کار به جنگ منتهی شد و مرد مسلمان پیروز گردید و در آنجا مسجدی بنا نمود (علامه حلی، ۱۴۱۱: ۴۴۶).

شاید بتوان گفت اینکه از ائمه، تفسیری راجع به آیه مذکور و به ویژه عبارت *﴿لَتَتَّخِذَنَّ عَلَيْهِمْ مَسْجِدًا﴾* نرسیده، بدان علت باشد که در آن زمان، معنا و مراد از آیه مشخص بوده و شبهه و اختلافی بین محققان فریقین وجود نداشته که نیاز به رفع شبهه و تفسیر از جانب ائمه بوده باشد؛ ولی بعدها با پیدایی افرادی چون ابن کثیر و ابن تیمیه این شبهه مطرح شده است.

۲-۴. روایات منسوب به صحابه و تابعان مرتبط با آیه ۲۱ سوره کهف

از برخی صحابه و تابعان، دیدگاه‌هایی در تفسیر آیه مذکور نقل شده که در زیر به گزارش دیدگاه‌های آنان پرداخته می‌شود:

- ابن عباس پیشنهاددهندگان ساخت مسجد را دشمنان اصحاب کهف می‌دانند که با این کار در صدد تخطئه آنان بودند (طبری، ۱۴۲۲: ۲۱۷/۱۵).

- قتاده پیروز و برنده کارزار بر سر مسئله جوانان غارنشین را امیران و پادشاهان می‌دانند و بر این باور است که آنان بودند که غلبه پیدا کرده و توانستند ایده خود را عملی ساخته و مسجدی در آنجا بنا کنند. به عبارت دیگر قتاده، کار مسجدسازی را

مربوط به سلاطین می‌داند، اما مشخص نکرده که آیا سلاطین آن‌ها موحد بوده‌اند یا مشرک (سیوطی، ۱۴۰۴: ۲۱۸/۴).

- سعید بن جبیر نیز به مانند قتاده معتقد است که ﴿الَّذِينَ غَلَبُوا عَلَىٰ أَمْرِهِمْ﴾ پادشاه قوم بود، ولی با این تفاوت که وی می‌گوید در آنجا بیعه و معبدی ساختند، نه مسجد؛ چرا که آنان نصرانی بودند و بر بالای آن نوشتند: «أبناء الأراکنة أبناء الدهاقین» (همان).
 - سدّی هم غلبه‌کنندگان را سلطان یا پادشاه آن قوم می‌داند. البته معتقد است که مسجد را در کنار آن غار ساختند، نه بر روی اجساد آنان (ابن ابی‌حاتم رازی، ۱۴۱۲: ۲۳۵۴/۷).
 در مورد دیدگاه‌های فوق‌الذکر باید گفت: سلسله سند این روایات تا هر یک از صحابه و تابعان، متصل است. ولی چون زنجیره سند به پیامبر ﷺ نرسیده و تنها به یک تابعی یا صحابی ختم شده، چنین حدیثی مقطوع و مرفوع بوده و فاقد حجیت می‌باشد. حتی دیدگاهی که از ابن عباس نیز نقل شده، چون خودش صریحاً به پیامبر ﷺ اسناد نداده، بعید نیست که برداشتی شخصی و اجتهادی باشد. در این صورت، صحت و سقم آن بستگی به عدالت و وثاقت صحابی دارد، و به فرض که صحابی عادل و موثق هم باشد، روایت وی معتبر بوده، اما حجت نیست و نمی‌تواند هم‌ردیف تفسیر پیامبر ﷺ و ائمه اطهار باشد؛ چرا که شیعیان صرفاً عادل بودن صحابه را سبب حجیت قول آنان نمی‌دانند، بلکه حجیت قول را صرفاً از معصوم می‌پذیرند.

۵. مطالعه دیدگاه مفسران فریقین پیرامون آیه مورد بحث در داستان

اصحاب کهف

پس از بررسی روایات، اینک تفاسیر فریقین مطالعه می‌شود. هرچند مفسران شیعی دیدگاه تقریباً یکسانی درباره موضوع مورد بحث دارند، اما به جهت آگاهی از برخی استدلال‌های ایشان و مقایسه آن‌ها با آراء مفسران اهل سنت، برخی از آن‌ها ذکر خواهند شد.

۱-۵. دیدگاه مفسران شیعه مرتبط با آیه ۲۱ سوره کهف

مفسران شیعی همگی هم‌صدا و هم‌سو، ایده و پیشنهاد ساخت مسجد را از جانب

موحدان دانسته و اساساً به همین آیه برای جواز ساخت مسجد بر قبور استدلال کرده‌اند.

طبرسی چنین می‌بیند که پیروزمندان و ظفریافتگان: ﴿الَّذِينَ غَلَبُوا عَلَىٰ أَمْرِهِمْ﴾، موحدان بودند؛ چرا که قبل از بیدار شدن اصحاب کهف، میان افراد قوم بر سر مسئله معاد و برانگیختگی اختلاف بود. موحدان قائل به حیات دوباره بودند، ولی مشرکان این مطلب را منکر بودند و هنگامی که معجزه کهف رخ داد، سخن موحدان تأیید شد و آنان بر مشرکان غلبه یافتند. پس عبارت ﴿الَّذِينَ غَلَبُوا عَلَىٰ أَمْرِهِمْ﴾ نیز اشاره به برتری موحدان دارد. در نتیجه ساخت مسجد، پیشنهاد موحدان بود نه مشرکان (طبرسی، بی‌تا: ۳۷/۱۵-۳۸). عده دیگری از مفسران شیعی نیز به پیروی از طبرسی، برتری یافتگان را موحدان، و ایده مسجده سازی را نیز مربوط به موحدان می‌دانند (جزایری، ۱۳۸۸: ۳/۴۳؛ حسینی شاه‌عبدالعظیمی، ۱۳۶۳: ۴/۳۴؛ قرشی بنایی، ۱۳۷۵: ۶/۱۹۷؛ عاملی، ۱۳۶۰: ۱/۵۰؛ طیب، ۱۳۷۸: ۱۲/۳۴۱؛ مکارم شیرازی، ۱۳۸۶: ۳/۳۴).

کاشانی نیز با استدلالی دیگر، پیروزمندان را موحدان می‌داند. استدلال او این است که در مدت زمان خفتگی اصحاب کهف، تعداد موحدان بیشتر از مشرکان شده بود. در نتیجه به هنگام نماز و کشمکش، آنان قدرت و مقاومت بیشتری به خرج داده و بر مشرکان ظفر یافتند و سرانجام ایده و نظر آنان به کرسی نشست و عملیاتی شد (کاشانی، ۱۳۶۳: ۵/۳۳۲).

مغنیه پیروز و برنده نماز بین مشرکان و موحدان را موحدان می‌داند. البته معتقد است که غلبه آنان به خاطر سلطه و زورمندی و تعداد بیشترشان در زمان خفتگی اصحاب کهف بود. لذا در هنگام چاره‌جویی درباره امر آنان، ایده ساخت مسجد را مطرح کردند: ﴿لَتَتَّخِذَنَّ عَلَيْهِمْ مَسْجِدًا﴾ و به سبب همین برتری در عده و عده، دیگران نیز موافقت و سکوت کرده و مخالفتی ننمودند (مغنیه، بی‌تا: ۳۸۴).

دیگر مفسر معاصر شیعی معتقد است که قبل از بیدار شدن اصحاب کهف، بین باورمندان به رستاخیز و منکران آن نماز بود؛ منکران بعد از بیداری اصحاب کهف، باز یقین برایشان حاصل نشد و تلاش کردند تا آثاری از آنان باقی نماند. از این رو پیشنهاد دادند که بنایی بر قبور آنان ساخته شود تا از دید مردم پنهان شوند. ولی موحدان

گفتند مسجدی در آنجا بسازید تا موحدان در آن نماز به پا دارند و نیز عبرت و تذکری برای منکران بعث و حشر باشد (سبزواری، ۱۴۱۹: ۳۰۱).

صاحب تفسیر *انوار درخشان* نیز پیشنهاد ساخت دیوار را از جانب مشرکان، برای پنهان و پوشیده ماندن اجساد اصحاب کهف از دید مردم می‌داند؛ ولی مؤمنان که با مشاهده اصحاب کهف برایشان یقین حاصل شد و بیداری آنان را نمونه‌ای از حشر و نشر دانستند، گفتند به منظور تذکر نام نیک اصحاب کهف و تبرک محل غار، مسجدی جنب آن بنا گذاریم که سبب توجه مردم خداپرست به این محل گردد و از اقطار جهان برای عبادت پروردگار بدان گرد آیند (حسینی همدانی، ۱۴۰۴: ۲۵۸/۱۰).

غالب مفسران شیعی، ایده ساخت بنا و دیوار را از جانب مشرکان برای محو آثار اصحاب کهف و پوشیده ماندن آنان از انظار مردم دانسته‌اند (طبرسی، ۱۳۷۷: ۳۵۹/۲؛ حسینی شاه‌العظیمی، ۱۳۶۳: ۳۴/۸).

از مطالب گفته‌شده توسط مفسران شیعه به دست می‌آید که همگی آنان ساخت بنا بر دیواره کهف: «ابنُوا عَلَیْهِمْ بُنَیَانًا رُبُّهُمْ أَعْلَمُ بِهِمْ» را پیشنهاد مشرکان شمرده‌اند که با این کار در صدد محو آثار جوانان کهف بودند، ولی ایده ساخت مسجد: «لَتَتَّخِذَنَّ عَلَیْهِمْ مَسْجِدًا» را گفتار موحدان برای یادآوری و باقی ماندن نام نیک آنان دانسته‌اند. برخی از مفسران، عامل غلبه موحدان: «الَّذِينَ عَلَبُوا عَلَىٰ أَمْرِهِمْ» را باور آنان دانسته‌اند؛ چرا که قائل به حیات مجدد بودند و با معجزه اصحاب کهف، باورشان محقق شد. برخی دیگر عامل غلبه را برتری عدّه و عدّه موحدان دانسته‌اند که بعد از به خواب رفتن اصحاب کهف، به تدریج چرخه روزگار به سمت آنان گردش کرده بود.

۱-۱-۵. دلایل مفسران شیعه

با تتبع در تفاسیر شیعی به دست آمد که آنان برای تأیید نظر خودشان (ساخت بنا از جانب مشرکان، ساخت مسجد توسط موحدان)، از قرآنی مانند سیاق، شواهد تاریخی و سکوت قرآن مدد گرفته‌اند.

۱-۱-۵. همسویی با اخبار تاریخی

در کتاب‌های تاریخی آمده است که بعد از به خواب رفتن اصحاب کهف، سال‌ها

از پی یکدیگر گذشتند و مردم آن عصر و پادشاه آنان «دقیانوس» هلاک شده. ملت‌ها و پادشاهان دیگری آمدند و رفتند تا اینکه سرانجام مردی صالح به نام «تدلیس» یا «بندوسیسی» به پادشاهی رسید و مردم را به خدا دعوت نمود و از بعث و نشور ترسانید و اصحاب کهف در زمان سلطنت و فرمانروایی وی زنده شدند (طبری، ۱۳۸۷: ۹/۲؛ مقدسی، بی‌تا: ۱۲۸/۳؛ ابن جوزی، ۱۴۱۲: ۱۵۲/۲-۱۵۳-۱۵۴؛ ابن اثیر، ۱۴۱۷: ۱/۳۲۶).

مفسران شیعی از این اخبار تاریخی مدد گرفته و غالب قوم را موحد دانسته‌اند؛ به طوری که توانستند بر مشرکان چیره شوند. سبحانی در این باره چنین می‌گوید:

«تاریخ گواه آن است که دوره ظهور جریان اصحاب کهف، دوره پیروزی توحید بر شرک بود. دیگر از آن فرمانروای مشرک و اخلاف او، که مردم را بر پرستش بت دعوت می‌کردند، خبری نبود. طبعاً این گروه غالب، همان موحدان خواهند بود» (سبحانی، ۱۳۸۰: ۸۹).

برخی دیگر از مفسران هرچند به صراحت نگفته‌اند که از اخبار تاریخی بهره برده‌اند، ولی از آنجایی که بیان کرده‌اند همزمان با زنده شدن اصحاب کهف، پادشاه صالحی حکومت می‌کرد و اوضاع شهر تغییر کرده بود و غالب مردم به توحید گراییده بودند، پس سخن موحدان به کرسی نشست و مسجدی ساختند، مشخص می‌شود که از اخبار و اطلاعات تاریخی مدد گرفته‌اند (فیض کاشانی، ۱۴۱۵: ۳/۲۳۸).

۱-۱-۵. هماهنگی با سیاق

دلیل دیگر مفسران شیعه این است که سیاق گفتار، در صدد مدح و نکوداشت اصحاب کهف است. به همین خاطر، اگر سرانجام آنان را منتهی به شرک بدانیم، با سیاق متناسب نیست (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۱۲/۳۸۸).

برخی دیگر از مفسران، وجود قرائنی در الفاظ آیه را نشانگر قوی بودن ساخت مسجد از سوی موحدان دانسته‌اند. علامه معتقد است که عبارت «ابْنُوا عَلَيْهِمْ بُيُوتًا» گفته مشرکان است. دلیل علامه برای این مطلب، عبارت «رَبُّهُمْ أَعْلَمُ بِهِمْ» می‌باشد که در ادامه گفتارشان آمده است؛ چرا که اگر سخن مؤمنان بود به جای «رَبُّهُمْ» می‌گفتند: «رَبَّنَا أَعْلَمُ»، و حال که تعبیر «رَبُّهُمْ» به کار رفته، می‌فهماند که مطلب فوق، گفتار

مشرکان بوده است (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۳۶۷/۱۵). سبحانی نیز عبارت «رَبُّهُمْ أَعْلَمُ بِهِمْ» را گفتار مشرکان می‌داند؛ چرا که حاکی از تحقیر اصحاب کهف از سوی مشرکان است و اگر قول موحدان بود، بایستی می‌گفتند: «رَبِّنا أَعْلَمُ» (سبحانی، ۱۳۹۳: ۱۲)؛ چون در آیه لفظ مسجد ذکر شده: «لَتَتَّخِذَنَّ عَلَيْهِمُ مَسْجِدًا»، ولی معبد یا کنیسه نیامده است که نشانگر منتسب بودن این قول به موحدان است (همو، ۱۳۸۰: ۸۹).

اینکه متن پیشنهادی آنان، موضوع «مسجدسازی برای پرستش خدا» بوده و نه معبد، گواه بر این است که پیشنهاددهندگان، افراد موحد و گروه نمازگزار بوده‌اند؛ چون مسجد در عرف قرآن، محلی را گویند که برای ذکر خدا و سجده بر او مهیا شده است و قرآن بتکده و یا سایر معابد را مسجد نخوانده است، همچنان که خداوند در سوره حج، مسجد را در مقابل صومعه و بیع و صلوات قرار داده و فرموده است: «وَمَسَاجِدُ يُذْكَرُ فِيهَا اسْمُ اللَّهِ» (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۳۷۱/۱۵).

قرآن کریم گفتار موحدان را با سیاقی نقل کرده که مفید مدح است؛ چرا که بین قول آنان و قول مشرکان، مقابله انداخته است. این در حالی است که گفته مشرکان، مملوّ از تشکیک می‌باشد؛ اما قول موحدان، قاطع بیان شده و قطعیت آن، از لام در «لَتَتَّخِذَنَّ» هویدا است. پس مطلوب نزد آنان، مجرد بنا و ساخت نیست، بلکه ساختن مسجد است و این گفتار دلالت می‌کند که آن افراد، عارف به خداوند و معترف به عبادت و نماز بودند. اگر ساخت مسجد را عمل مشرکان در نظر گرفته و بگوییم این کار را انجام دادند تا مردم را منحرف کنند، در واقع مسیر و سرنوشت قصه اصحاب کهف را منتهی به یک عمل مذمت‌آمیز کرده‌ایم.

۱-۱-۵. عدم ردّ یا انکار ساختن مسجد از سوی قرآن

از دیگر دلایل اندیشه‌وران شیعی برای اثبات ایده ساخت مسجد از جانب موحدان این است که خداوند قول و فعل آنان را حکایت کرده است، اما هیچ گونه ردّ و انکاری نسبت به آن نداشته است. بنابراین می‌توان از آن جواز را برداشت کرد. مدرسی از مفسران معاصر می‌گوید:

«قرآن به ما می‌فهماند که ساخت مسجد، عملی مشروع است؛ زیرا آن را ذکر کرده،

ولی هیچ انکار یا ردی نسبت به آن نداشته است... قرآن هر گاه قصص و داستان‌های اقوام گذشته را برای ما نقل کرده، جز برای دو هدف نبوده است؛ یا برای اینکه از آن نهی کند یا اینکه به آن امر کند. پس هر گاه از آن نهی نکرد، به آن امر کرده است» (مدرسی، ۱۴۱۹: ۳۹۱/۶).

جوادی آملی نیز می‌گوید:

قرآن کریم همانند برخی از کتب متداول، مجمع اقوال نیست تا آرای مختلف را نقل کند و بین آن‌ها داوری نکند، بلکه نقل‌های آن با داوری همراه است. از این رو، اگر مطلبی را نقل کند و سخنی در ابطال و رد آن نیاورد، نشانه امضا و پذیرش آن است» (جوادی آملی، ۱۴۳۲: ۷۵/۱).

سبحانی نقل توأم با سکوت قرآن را نشانگر جواز دانسته و گفته است: «هرگز صحیح نیست که خداوند نشانه شرک را از گروهی نقل کند، بدون آنکه به طور تلویح یا تصریح از آن انتقاد نماید و این استدلال همان "تقریر" است که در علم اصول از آن بحث شده است» (سبحانی، ۱۳۸۰: ۸۹).

هر گاه قصص و داستان‌های قرآن را ملاحظه کنیم، متوجه می‌شویم که به خاطر مجرد حکایت وقایع تاریخی وارد نشده‌اند، بلکه برای اعتبار و ارشاد و موعظه هستند. بنابراین برای ما آشکار می‌شود که دلالت آیه بر استحباب است.

۲-۵. دیدگاه مفسران اهل سنت

بین مفسران اهل سنت در مورد اینکه پیشنهاد ساخت مسجد، گفتار چه کسانی بوده، اختلاف نظر است؛ به طوری که در این زمینه حداقل سه نظریه مختلف را احتمال داده‌اند، ولی راجع به ایده ساخت بنا و دیوار هم‌فکر هستند. به برخی دیدگاه‌های آنان اشاره می‌شود:

۱-۲-۵. ساخت مسجد ایده موحدان

مشرکان که با بیداری اصحاب کهف، در منازعه با موحدان بر سر قضیه معاد شکست خورده بودند، در صدد بودند دیوار و بنایی بر دهانه غار بسازند تا آنان از نظرها پنهان بمانند؛ اما مسلمانان که تعدادشان بیشتر بود، اجازه نداده و گفتند بر آنان

مسجدی بسازیم (بغوی، ۱۴۲۰: ۱۸۵/۳؛ فخرالدین رازی، ۱۴۲۰: ۴۴۷/۲۱؛ مظهری، ۱۴۱۲: ۲۳/۶؛ مکی بن ابی طالب، ۱۴۲۹: ۴۳۵۳/۶؛ خازن، ۱۴۱۵: ۱۶۱/۳؛ ابن عطیه اندلسی، ۱۴۲۲: ۵۰۷/۳؛ جلالین، بی تا: ۳۸۳/۱؛ صدیق حسن خان، ۱۴۱۲: ۳۰/۸؛ نووی، ۱۴۱۷: ۱/۶۴۵؛ مقدسی، ۱۴۳۰: ۱۶۳/۴).

شارح تفسیر بیضاوی با توجه به آیه استدلال کرده بر اینکه ساخت مسجد بر قبور علما جایز است. همچنین نماز خواندن در آن نیز جایز می باشد (خفاجی، بی تا: ۸۶/۶). زمخشری نیز پیشنهاد ساخت مسجد را از جانب مسلمانان دانسته و به آیه برای جواز ساخت بنا بر قبور صالحان و تبرک جستن به آن استدلال کرده است (زمخشری، ۱۴۰۷: ۷۱۱/۲).

دیگر مفسر معاصر اهل سنت می گوید:

«مؤمنان و کافران راجع به اصحاب کهف به کشمکش پرداختند. کافران گفتند: بیعه [معبد مسیحیان] بر سر قبر آنان بسازیم. مسلمانان که در اکثریت بودند، گفتند: مسجدی بنا کنیم و همین کار را عملی کردند و مسجدی بر سر قبور آنان ساختند. این فعل و عمل آنان دلیل قاطعی بر جواز مسجد ساختن بر سر قبور می باشد (محمد خطیب، ۱۳۸۳: ۳۵۴/۱).

۲-۵. ساخت مسجد ایده مشرکان

پیشنهاد ساخت مسجد از جانب مشرکان می باشد؛ با این استدلال که چون خداوند برای آنان وصف «غلبه» را به کار برده و با وصفی که به واسطه آن شایسته مدح باشند، آنان را توصیف نکرده، پس کار مشرکان می باشد؛ چرا که متوسل شدن به قهر و غلبه و هوی حربه مشرکان می باشد. دیگر آنکه احادیث منقول بسیاری از پیامبر ﷺ مؤید آن است که مسجد ساختن قبور، فعل مشرکان است (ابن رجب، ۱۴۲۲: ۱/۶۴۲؛ قاسمی، ۱۴۱۸: ۱۶/۷؛ سید بن قطب، ۱۴۱۲: ۴/۲۲۶۴؛ شنقیطی، ۱۴۱۵: ۳۰۱/۲؛ عثیمین، ۱۴۲۳: ۴۱).

طبری مفسر بزرگ اهل سنت در این زمینه می نویسد:

میان دو گروه از مردمان در رابطه با بنای مسجد جنب غار کهف اختلاف شد. گروهی که مشرک بودند، گفتند: «ابنُوا عَلَیْهِمْ بُنْيَانًا رَبُّهُمْ أَعْلَمُ بِهِمْ»؛ بنایی بر آن‌ها بسازید. گروهی که مؤمن بودند، گفتند: «لَتَتَّخِذَنَّ عَلَیْهِمْ مَسْجِدًا» ما به آن‌ها سزاوارتریم چون آن‌ها مثل ما اهل ایمان بودند. بر آنان مسجدی بنا می کنیم و در آن نماز می خوانیم و خدا را عبادت می کنیم» (طبری، ۱۴۱۲: ۱۴۹/۱۵).

طبری پس از نقل هر دو قول، هیچ کدام را بر دیگری ترجیح نداده است. شوکانی و تعداد دیگری از مفسران اهل سنت، ایده ساخت بنا را از جانب مشرکان دانسته‌اند تا مردم نتوانند به اصحاب کهن راه بیابند و دیوار، آنان را از دید و انظار مردم پوشیده و پنهان بدارد (ابن جوزی، ۱۴۲۲: ۷۴/۳؛ زمخشری، ۱۴۰۷: ۷۱۱/۲؛ شوکانی، ۱۴۱۴: ۳۳۰/۳؛ حقی بروسوی، بی‌تا: ۲۳۲/۵).

دیدگاه‌های فوق نشان می‌دهد که مفسران اهل سنت راجع به پیشنهاددهنده ساخت مسجد اختلاف نظر دارند، ولی درباره ایده ساخت بنا هم نظر هستند.

۳-۲-۵. ساخت مسجد، ایده صاحبان غلبه و نفوذ

پیشنهاد ساخت مسجد، از سوی صاحبان غلبه و نفوذ بود؛ اما اینکه افرادی موحد بودند یا مشرک، مشخص نیست. به عبارت دیگر، از ظاهر آیه تنها به دست می‌آید که سخن صاحبان نفوذ به کرسی نشست؛ اما اینکه آنان افرادی ممدوح بودند یا مذموم، بر ما پوشیده است (ابن کثیر دمشقی، ۱۴۲۰: ۱۴۷/۵؛ طنطاوی، بی‌تا: ۴۹۴/۸؛ فیصل المبارک، ۱۴۱۶: ۱۴/۳؛ حوی، ۱۴۲۴: ۳۱۷۱/۶؛ جمعی از مؤلفان، ۱۴۳۰: ۲۹۶/۱).

۴-۲-۵. دلایل اهل سنت مبنی بر کراهت مسجدسازی بر قبور

برخی از مفسران اهل سنت که ایده ساخت مسجد بر قبور اصحاب کهن را گفتار مشرکان دانسته‌اند، به دلایل و مستندات تمسک کرده‌اند.

۱-۴-۲-۵. دلیل اول: مخالفت با روایات نبوی

برخی عالمان اهل سنت که ایده مسجدسازی را پیشنهاد موحدان دانسته و همه آن‌هایی که پیشنهاد ساخت مسجد را ایده مشرکان دانسته‌اند، معتقدند که مسجدسازی بر قبور انبیا و اولیا در امت اسلام، عملی نکوهیده است؛ زیرا سنت نبوی، شارح و مفسر آیات بوده و در روایات متعددی پیامبر ﷺ این فعل را مذمت کرده و انجام‌دهنده چنین کاری را ملعون دانسته است. از جمله روایاتی که به آن استدلال کرده‌اند، می‌توان به این موارد اشاره کرد:

الف) روایات نهی از مشابهت به یهود و نصارا و نقد دلالت آن‌ها

در بعضی روایات وارد شده که هر آنچه یهود و نصارا انجام دادند، در این امت نیز رخ می‌دهد. در صحیح بخاری و مسلم از ابوسعید خُدَری به نقل از پیامبر ﷺ آمده است:

«لَتَتَّبِعَنَّ سَنَنَ مَنْ قَبْلَكُمْ شِبْرًا بِشِبْرٍ وَذِرَاعًا بِذِرَاعٍ، حَتَّىٰ لَوْ سَلَكَوا جُرْحَ صَبٍّ لَسَلَكَتُمُوهُ! قُلْنَا: يَا رَسُولَ اللَّهِ! الْيَهُودَ وَالنَّصَارَىٰ؟ قَالَ: فَمَنْ؟» (بخاری، ۱۴۲۲: ۱۶۹/۴؛ مسلم، بی‌تا: ۲۰۵۴/۴)؛ بی‌شک شما از سنت‌های اقوامی که قبل از شما بوده‌اند، و جب به جب و ذراع به ذراع پیروی و متابعت می‌نمایید تا به حدی که اگر ایشان داخل سوراخ سوسماری شده‌اند، شما نیز به دنبالشان می‌روید! گفتیم: ای رسول خدا! [آیا مقصود شما از آن قوم پیشین] یهودیان و مسیحیان می‌باشند؟! فرمود: [آری! اگر ایشان نباشند] پس چه کسانی می‌باشند؟!»

عالمان اهل سنت به این روایت استدلال کرده و مسجدسازی را عملی نکوهیده شمرده‌اند؛ چون یهود و نصارا قبلاً بر روی قبور اولیا و بزرگانشان بنا ساختند و به تعظیم آنان پرداختند و همین امر به تدریج باعث شد که برای خداوند شریک قائل شده و به پرستش صاحب قبر پردازند. بنابراین پیامبر ﷺ نیز امتش را از چنین عملی بر حذر داشت تا مبادا مانند آنان گرفتار شرک شوند.

اندیشمندان شیعی بر این باورند که حدیث مذکور دلالت بر همسانی و عنیت ندارد، بلکه دلالت بر تشابه می‌کند؛ آن هم در برخی وجوه، نه در تمام وجوه. مستند ایشان برای این رأی و نظر، موارد نقض و استثنائات فراوان شرعی است که وجود دارد. یعنی اینکه معتقدند روایات و آیات از موارد و امور چندی خیر داده‌اند که در امت‌های گذشته رخ داده، ولی در امت اسلام به وقوع نپیوسته است. بنابراین حدیث مذکور، دلالتی بر وقوع و رخداد هر آنچه که در سایر امت‌ها بوده، ندارد، بلکه بیانگر آن است که سنت‌هایی که بر گذشتگان رفته، شبیه و مشابه آن‌ها در امت اسلام نیز رخ می‌دهد. علامه معتقد است:

«احادیث دال بر مشابهت امت اسلام با سایر امم، دلالت بر یکسانی در همه جهات ندارند؛ بلکه دلالت بر مشابهت می‌کنند، آن هم از نظر نتیجه و اثر، نه از نظر عین حادثه» (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۱۸/۱۲).

سبحانی بر آن است که یکسانی و مماثلت در احادیث تشابه امم تنها در برخی جهات می باشد نه در همه جهات؛ چرا که به حکم علم ضروری، یکسانی نمی تواند در تمام جهات باشد. بدیهی است که حوادثی مانند عبادت گوساله، سرگردانی در تیه (بیابان) و قضایای رخ داده در ملک سلیمان، در این امت نخواهد بود (سبحانی، ۱۴۱۴: ۱۷۰/۳). نویسنده دیگری می گوید:

«احادیث تشابه امم به معنای تکرار همه حالات امم گذشته نیست، بلکه ممکن است منظور از روایت، تکرار بعضی از آن حالات باشد؛ زیرا به یقین می دانیم که بر امت های گذشته حالاتی رخ داده که بر امت اسلامی رخ نداده است؛ مانند مسخ شدن بعضی از آن ها و یا نسخ شرایع آن ها و از این قبیل» (جعفری، ۱۳۸۲: ۱۷۴).

ب) روایات نهی از مسجد ساختن قبور انبیا و نقد دلالت آن ها

روایت دیگری که عالمان اهل سنت برای قبیح دانستن مسجده سازی بدان استناد کرده اند، روایتی است که پیامبر ﷺ فرمود:

«لعن الله اليهود والنصارى اتخذوا قبور انبيائهم وصالحيهم مساجد» (ابن عبدالهادی حنبلی، ۱۴۲۱: ۲۶۴): خداوند یهود و نصارا را لعنت کند که قبور انبیای خود را مسجد قرار دادند.

برای فهم صحیح این حدیث باید نحوه عملکرد یهود و نصارا را نسبت به قبور پیامبران بدانیم؛ زیرا پیامبر ﷺ، ما را از عملی که آنان انجام داده اند، باز می دارد. اگر حدود کار آنان روشن شود، محدوده حرمت در اسلام نیز مشخص خواهد شد. به همین منظور باید تمام روایاتی که در این موضوع وارد شده، تحلیل شوند؛ زیرا همان طور که با آیه ای می توان ابهام آیه دیگر را برطرف کرد، همچنین می توان با حدیثی، حدیث دیگر را تفسیر و از آن رفع ابهام نمود. در حدیثی آمده: «لَا تُصَلُّوا إِلَى الْقُبُورِ وَلَا تَجْلِسُوا عَلَيْهَا» (مسلم، بی تا: ۶۶۸/۲؛ نسائی، ۱۴۲۱: ۴۱۱/۱؛ طحاوی، ۱۴۱۴: ۵۱۵/۱) و در حدیث دیگری وارد شده است: «اللَّهُمَّ لَا تَجْعَلْ قَبْرِي وَتَنَّا يُعْبَدُ. اَشْتَدَّ غَضَبُ اللَّهِ عَلَى قَوْمِ اتَّخَذُوا قُبُورَ أَنْبِيَائِهِمْ مَسَاجِدَ» (مالک، ۱۴۰۶: ۱۷۲/۱؛ احمد بن حنبل، ۱۴۲۱: ۳۱۴/۱۲؛ ابوداود، ۱۴۳۰: ۳۸۵/۳). این احادیث بیانگر آن است که یهود و نصارا قبور پیامبران خود را قبله خود قرار داده و از توجه به قبله واقعی سر باز می زدند. بلکه بالاتر،

در کنار قبور پیامبران، به جای اینکه خدا را بپرستند، پیامبران خود را می‌پرستیدند. به عبارت دیگر، آنان با قبر و تصویری که کنار آن بوده، به مانند بت رفتار می‌کردند و قبر یا صورت فرد صالح را قبله قرار می‌دادند، بلکه آن را به صورت بت می‌پرستیدند (مجلسی، ۱۴۱۰: ۳۱۴/۸۰؛ اشتهاردی، ۱۴۱۷: ۵۱/۹؛ مکارم شیرازی، ۱۴۲۸: ۸۲). پس نهی رسول خدا ناظر بر این اعمال بوده، نه صرف ساختن بنا.

همچنین در نقد برداشت اهل سنت از حدیث مورد بحث می‌توان گفت در روایتی که به حد استفاضه در کتب شیعی و اهل سنت نقل شده، پیامبر ﷺ در مسجد خیف نماز گزارد، در حالی که قبر ۷۰ نبی در آنجا وجود دارد؛ پس ساختن بنا معنی ندارد. روایات متعددی که به ثواب نماز گزاردن در مسجد خیف تصریح نموده‌اند، خود دلیل دیگری بر اثبات مدعاست: «فِي مَسْجِدِ الْخَيْفِ قَبْرُ سَبْعِينَ نَبِيًّا» (طبرانی، بی‌تا: ۴۱۴/۱۲؛ مناوی، ۱۳۵۶: ۴۵۹/۴؛ صنعانی، ۱۴۳۲: ۵۵۵/۷؛ سیوطی، بی‌تا: ۴/۱۵؛ عسقلانی، ۱۴۱۹: ۱۷۵/۷؛ فاکهی، ۱۴۱۴: ۲۳۷/۴). در کتب شیعی نیز همین روایت نقل شده است (کلینی، ۱۴۲۹: ۸۲/۸؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۴۶۴/۱۴؛ حرّ عاملی، ۱۴۰۹: ۲۶۹/۵). در کتاب‌های شیعی همچنین نقل شده که خواندن ۱۰۰ رکعت نماز در مسجد خیف ثواب هزار سال عبادت را دارد (صدوق، ۱۴۱۳: ۲۳۰/۱؛ مجلسی، ۱۴۰۶: ۹۳/۲).

همچنین در روایات متعدد، هم در کتب شیعه و هم سنی نقل شده که قبر برخی انبیا در حجر اسماعیل است و آن حضرت، مادر و دخترانش را در آنجا دفن کرد و این حائل را کشید که بر بالای قبر ایشان راه نروند و قبر حضرت اسماعیل نیز در آنجاست (کلینی، ۱۴۲۹: ۸۴/۸؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۲۳۱/۹۶؛ همو، ۱۴۱۴: ۲۲/۷؛ حرّ عاملی، ۱۴۰۹: ۲۶۹/۵؛ راوندی، ۱۴۰۹: ۱۱۴).

در کتب اهل سنت نیز آمده که قبور تعدادی از انبیا مانند هود، صالح، اسماعیل، آدم، ابراهیم، اسحاق، یعقوب و یوسف عليهم السلام در مسجد الحرام واقع است (قاری، ۱۴۲۲: ۶۰/۱۲؛ ازرقی، بی‌تا: ۷۳/۱؛ فاکهی، ۱۴۱۴: ۲۷۱/۲). شکی نیست که در کنار این قبور، هم بنا ساخته شده و هم نماز خوانده می‌شود.

همچنین وجود قبر پیامبر ﷺ در مسجد، از دیگر دلایلی است که می‌توان به برداشت نادرست اهل سنت از روایت فوق استدلال کرد (همدانی، ۱۴۱۶: ۱۳۳/۱۱).

گفتنی است که اهل سنت روایاتی ناظر بر جواز ساختن بنا بر قبور، حتی در زمان حیات رسول خدا نقل می‌کنند؛ مانند این ماجرا که در کتب اهل سنت ضمن بیان شرح حال ابوبصیر صحابی آمده است:

(رسول خدا ﷺ نامه‌ای به ابوبصیر نوشت که به سوی او بیاید. نامه زمانی رسید که ابوبصیر در حال جان دادن بود. وی در حالی که نامه پیامبر ﷺ در دستش بود و آن را می‌خواند، از دنیا رفت. ابوجندل او را در همان جا دفن کرد و مسجدی کنار قبرش بنا نمود (ابن عبدالبر، ۱۴۱۲: ۱۶۱۴/۴؛ عسقلانی، ۱۳۷۹: ۳۵۱/۵؛ شوکانی، ۱۴۱۳: ۵۵/۸؛ عینی، بی‌تا: ۱۶/۱۴؛ مظهری، ۱۴۱۲: ۲۰/۹).

بنابراین می‌توان گفت که ساخت مسجد در کنار قبر، اولین بار توسط صحابه پیامبر ﷺ، آن هم در زمان حیات آن حضرت صورت گرفته است.

۲-۴-۲-۵. دلیل دوم: غیر حجت بودن شرایع سابق

ساخت مسجد بر روی قبور اصحاب کهف، مربوط به شرایع سابق (نصارا یا یهود) بود و شرایع سابق نسبت به شریعت ما حجت نیستند و تنها در صورتی حجت هستند که در شریعت ما نیز مؤیداتی برای آن باشد (شحاته، بی‌تا: ۱۱۷/۱؛ افغانی، ۱۴۱۶: ۱۶۵۱/۳؛ بغوی، بی‌تا: ۱۶۲/۱؛ عسیری، ۱۴۳۱: ۳۳۸/۱).

در پاسخ این استدلال باید گفت اگرچه مسجدسازی بر قبور صالحان، مربوط به شرایع گذشته بوده است، اما چون خداوند آن را برای ما بدون هیچ گونه ردّ و انکاری یادآوری کرده، دلالت می‌کند که در شریعت ما نیز معتبر می‌باشد. دیگر آنکه شرایع سماوی از نظر اصول و قواعد کلی یکسان‌اند و اختلاف، در کیفیت‌ها و جزئیات است. از این جهت فقها می‌گویند احکام ثابت در شرایع پیشین برای ما حجت است، مگر اینکه دلیل محکمی بر منسوخ شدن آن داشته باشیم (سیوری حلی، ۱۴۲۵: ۲۰/۲؛ بهبهانی، ۱۴۲۶: ۵۲۵؛ حسینی شیرازی، ۱۴۲۸: ۱۰۵/۱).

۶. مقایسه دیدگاه مفسران شیعه و سنی

در این قسمت، به بیان نقاط اشتراک و افتراق میان مفسران امامیه و اهل تسنن

می‌پردازیم. نقطه مشترکی که در میان مفسران فریقین در تفسیر آیه شریفه هست اینکه مفسران فریقین، پیشنهاددهنده ساخت بنا بر دیواره غار را مشرکانی می‌دانند که در صدد مخفی کردن اصحاب کهف از انظار مردم بودند. در باب تفاوت دیدگاه‌ها می‌توان گفت مفسران شیعی همگی به اتفاق، ظرفیافتگان منازعهٔ موحدان و مشرکان در باب اصحاب کهف را موحدان می‌دانند، ولی اهل سنت سه احتمال را مطرح کرده‌اند: الف- موحدان، ب- مشرکان، ج- پادشاه. مطلب دیگر در باب تفاوت دیدگاه‌ها اینکه اهل سنت، غلبه‌کنندگان را اهل قدرت و سلطه می‌دانند که از نظر سیاسی پیروز شدند، در نتیجه گفتار چنین گروهی را شایسته پیروی نمی‌دانند. اما مفسران شیعه، غالبان را عارفان و موحدان می‌دانند که از نظر فکر و اندیشه و ایدئولوژی پیروز شده بودند و پیشنهاد مسجدسازی گواه بر این است که پیشنهاددهندگان، مردم متدین بودند و از این نظر، بر گروه دیگر غلبه کرده بودند. بنابراین به طور کلی این اختلاف نظر بین مفسران فریقین جدی بوده و تأثیر اساسی در معنای آیه ایجاد کرده است.

۷. داوری میان دیدگاه‌ها، و اثبات سخن «مسجدسازی» توسط موحدان

در این بخش، به ارزیابی دیدگاه مفسران دو گروه می‌پردازیم تا مشخص شود که کدام دیدگاه صحیح است. همان طور که بیان شد، همه مفسران شیعه و برخی مفسران اهل سنت، ساخت مسجد بر اصحاب کهف را پیشنهاد موحدان می‌دانند؛ ولی برخی مفسران اهل سنت، ایده مسجدسازی را مربوط به مشرکان و بدعت‌گذارانی می‌دانند که فعلشان شایسته پیروی نیست. مستند مفسران شیعه و سنی در تفسیر آیه، بیشتر اخبار تاریخی یا روایی است که در کتب تاریخ و قصص و حدیث پیرامون اصحاب کهف گزارش شده است.

اینک سعی می‌شود با دلایلی چند که برگرفته از سیاق آیه و همچنین سیاق کل سوره و نیز محور اصلی سوره است، بیان نماییم که فعل مسجدسازی مربوط به موحدان بوده است.

۱-۷. توجه به رابطه بینامتنی آیه با آیات دیگر همین سوره، مشتمل بر

موضوع «ساختن بنا»

در دو جای دیگر این سوره نیز سخن از ساخت بنا شده است. یکی در داستان موسی و خضر علیهم السلام که وقتی به قریه‌ای رسیدند، از اهل آن طلب غذا و آب کردند، ولی مردم آبادی به آن دو غذایی ندادند و آن‌ها را مهمان خود نکردند. در این هنگام خضر علیه السلام به دیواری که در حال ویران شدن بود، نگریست و به موسی علیه السلام گفت: به اذن خدا برخیز تا این دیوار را تعمیر و استوار کنیم تا خراب نشود: ﴿فَانْطَلَقَا حَتَّىٰ إِذَا أَتِيَا أَهْلَ قَرْيَةٍ اسْتَطَعَمَا أَهْلَهَا فَأَبْوَأُ أَنْ يُضَيَّقُوهُمَا فَوَجَدَا فِيهَا جِدَارًا يُرِيدُ أَنْ يَنْقَضَ فَأَقَامَهُ﴾ (کهف/ ۷۷). هدف خضر علیه السلام از ساختن دیوار، محفوظ ماندن گنجی بود که والدین دو نوجوان یتیم در زیر دیوار مخفی کرده بودند، تا نوجوانان به سن بلوغ رسیده و بتوانند گنجشان را استخراج کنند. ساخت این بنا توسط خضر علیه السلام که از اولیای الهی بود، صورت گرفت و هدف وی نیز امری والا و حفاظت از مال دو یتیم بود.

مورد دوم ساخت و سازی که در سوره کهف به آن اشاره شده، در داستان ذوالقرنین است؛ آنجا که در یکی از سفرهای خود به جمعیتی برخورد کرد که از نظر تمدن در سطح بسیار پایینی بودند. آن‌ها که از ناحیه دشمنان خونخوار و سرسختی به نام «یاجوج و ماجوج» در عذاب بودند، مقدم ذوالقرنین را که دارای قدرت و امکانات عظیمی بود، غنیمت شمردند و دست به دامن او شدند و گفتند: یاجوج و ماجوج در این سرزمین فساد می‌کنند. آیا ممکن است هزینه‌ای در اختیار تو بگذاریم که میان ما و آن‌ها سدی ایجاد کنی؟ ﴿قَالُوا يَا ذَا الْقُرْنَيْنِ إِنَّ يَأْجُوجَ وَمَأْجُوجَ مُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ فَهَلْ نَجْعَلُ لَكَ خَرْجًا عَلَىٰ أَنْ تَجْعَلَ بَيْنَنَا وَبَيْنَهُمْ سَدًّا﴾ (کهف/ ۹۴). ذوالقرنین پاسخ مثبت داد و بی‌آنکه کمک مالی از آن‌ها دریافت کند، سدی را که مانع تجاوز یاجوج و ماجوج باشد، ساخت و در ساختن آن از آهن و مس مذاب استفاده نمود. در اینجا نیز فعل ساخت توسط یکی از موحدان و اولیای الهی و به جهت هدفی والا یعنی کمک به مردمی ستمدیده صورت گرفت. با قرینه این دو ساخت صورت گرفته می‌توان احتمال قوی داد که در داستان اصحاب کعبه نیز ساخت مسجد توسط اشخاصی موحد و به جهت

هدفی والا صورت گرفته باشد.

۲-۷. توجه به محور اصلی سوره کهف پیرامون حمایت از مؤمنان

یکی از محورهای اصلی سوره، حمایت و حفاظت از مؤمنان در برابر مشرکان و کافران است. در سوره چندین تقابل بین مؤمنان و مشرکان صورت گرفته که در همگی، مؤمنان پیروز بوده‌اند. در داستان صاحب دو باغ، بین باغدار ثروتمند و مالدار با مؤمن فقیر بی‌بضاعت گفتگویی صورت می‌گیرد و چون باغدار در برابر مؤمن فخرفروشی کرده و مال و اولادش را به رخ می‌کشد، شبانگاه باغش دچار صاعقه شده و به تلی از خاک تبدیل می‌شود. در داستان دوم پادشاه ظالمی که کشتی‌ها را غارت می‌کرد، به ناگاه خضر به صحنه آمد و با سوراخ کردن کشتی اجازه نداد که کشتی توسط پادشاه ظالم غارت شود. در داستان ذوالقرنین نیز ذوالقرنین با یاجوج و ماجوج ستمگر روبه‌رو شد و توانست آنان را میان دو سد حبس کند. با مد نظر قرار دادن نمونه‌های ذکرشده می‌توان گفت که یکی از محورهای سوره، پیروزی مؤمنان بر مشرکان است. بنابراین در منازعه بر سر قضیه اصحاب کهف نیز که تقابل مؤمنان با مشرکان مطرح است، می‌توان گفت که خداوند حامی مؤمنان بوده و آنان را یاری کرده است. بنابراین غلبه‌کنندگان مؤمنان بودند و آنان بودند که پیشنهاد ساخت مسجد را مطرح کردند.

۳-۷. توجه به نقل ماجرا توسط قرآن بدون رد کردن آن

قرآن این دیدگاه (بنای بر قبور به صورت مسجدسازی) را از جمعیت پیروز بر مشرکان نقل کرده، بدون اینکه آن را نقد کند، و این خود نشانه مشروع بودن آن است؛ وگرنه آن را نقد می‌کرد. دأب و مرام قرآن کریم این است که هر جا گفتاری را از دیگران نقل می‌کند، در صورت عدم صحت، به نقد آن می‌پردازد، مگر اینکه بی‌پایگی آن روشن باشد؛ مثلاً فرعون به هنگام غرق شدن در امواج دریا اظهار ایمان کرد و گفت: ﴿أَمِنْتُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا الَّذِي آمَنْتُ بِهِ بُنَا إِسْرَائِيلَ وَأَنَا مِنَ الْمُسْلِمِينَ﴾ (یونس / ۹۰)؛ «من ایمان آوردم که خدایی جز آنکه بنی‌اسرائیل به او ایمان آورده‌اند، نیست و من از مسلمانان هستم». قرآن برای اینکه دیگران نپندارند که ایمان در چنین لحظه‌ای نافع و سودمند است، فوراً

نقد می کند و می فرماید: «الآن وَقَدْ عَصَيْتَ قَبْلُ وَكُنْتَ مِنَ الْمُفْسِدِينَ» (یونس / ۹۱). بنابراین اگر موضوع ساخت مسجد، سخن مشرکان بود و یک عمل خلاف یا لغو و بی جهت بود، هرگز قرآن در برابر آن سکوت نمی کرد و به گونه ای آن را تخطئه می نمود. حال که در برابر آن سکوت کرده و تأیید ضمنی نموده است، مشخص می شود که این دیدگاه مربوط به مؤمنان و مورد پذیرش قرآن است.

۴-۷. توجه به تأکید خداوند در آغاز سوره، مبنی بر «ارائه سخن حق»

آیه ۱۳ سوره کهف اشاره کرده که تنها مواردی از داستان اصحاب کهف را بازگو نموده که مطابق با حق و راستی بوده است: «لَنْ نَقُصُّ عَلَيْكَ نَبَأَهُمْ بِالْحَقِّ إِنَّهُمْ فِتْيَةٌ آمَنُوا بِرَبِّهِمْ وَرِذْنَاهُمْ هُدًى». اکنون که خداوند از میان همه وقایعی که در مورد اصحاب کهف بیان کرده، به این نکته نیز اشاره فرموده و آن را از باب قصه حقه معرفی نموده، به دست می آید که اصل ساخت بارگاه بر قبور، از سنت مؤمنان بوده و قرآن نیز نه تنها مشروعیت این عمل را بیان فرموده، بلکه ترک این عمل را از اعمال کفار و مذموم معرفی نموده است.

۵-۷. توجه به عاقبت اصحاب کهف و طلب «رحمت» و «رشد» از خداوند

اصحاب کهف بعد از آنکه به خاطر حفظ دین، مخفیانه از میان قوم گریختند و به غار پناهنده شدند، در آنجا از خداوند طلب رحمت و رشد کردند: «إِذْ أَوَى الْفِتْيَةُ إِلَى الْكَهْفِ فَقَالُوا رَبَّنَا آتِنَا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً وَهَيِّئْ لَنَا مِنْ أَمْرِنَا رَشَدًا» (کهف / ۱۰). بدیهی است که خداوند نه تنها دعای آنان را مستجاب کرد و از جانب خودش رحمت به آنان داد و اسباب رشد را برای آنان فراهم کرد، بلکه داستان آنها را در آخرین معجزه الهی یعنی قرآن ذکر نمود، که تا دنیا دنیاست، بشر از قصه آنها عبرت بگیرد. بنابراین بعید و غیرمحتمل است که بعد از رحمت و رشد، و بیدار نمودن آنها پس از سیصد سال و متوجه ساختن مردم شهر به سوی آنان، نتیجه آن شود که باعث ضلالت و گمراهی بشوند و مردم به واسطه آنان، به شرک گراییده و اصحاب کهف را در عبادت خداوند شریک سازند یا به جای عبادت خداوند به عبادت آنان پردازند.

نتیجه‌گیری

۱- مفسران فریقین به اتفاق معتقدند که پیشنهاد ساخت بنا بر دیواره غار، توسط مشرکان مطرح شد؛ با این هدف که در صدد بودند اصحاب کهف را از انظار مردم مخفی کنند. ولی دیدگاه‌ها دربارهٔ پیشنهاددهندهٔ ساخت مسجد متفاوت است؛ مفسران شیعه همگی ساخت مسجد را ایده موحدان می‌دانند، اما مفسران اهل سنت سه احتمال را مطرح کرده‌اند: الف- موحدان، ب- مشرکان، ج- پادشاه، که تنها در یک نظر با شیعه هم‌رای هستند.

۲- مفسران شیعه برای تقویت دیدگاه خود به قرائنی مانند همسویی با اخبار تاریخی، هماهنگی با سیاق و عدم ردّ یا انکار ساخت مسجد از سوی قرآن بهره گرفته‌اند.

۳- عمده دلایل مفسران اهل سنت برای تقویت دیدگاه خود مبنی بر ساخت مسجد توسط مشرکان، روایاتی از پیامبر ﷺ مانند نهی از مشابهت به یهود و نصارا و نهی از مسجد ساختن قبور انبیاست، که ضمن نقد آن‌ها مشخص شد این روایات بیانگر سجده بر قبور و قبله قرار دادن قبور به هنگام دعا و نماز هستند؛ ولی آیهٔ مورد بحث در سورهٔ کهف، مسجدسازی را به جهت تعظیم شأن و منزلت اولیای الهی و تبرک جستن به مکان آن‌ها دانسته است.

۴- با توجه به سیاق کلی سوره و محورهای مطرح شده در آن، دیدگاه مفسران شیعه تقویت می‌شود؛ از جمله اینکه در سوره کهف، دو مورد ساخت بنای دیگر هم توسط خضر و ذوالقرنین برای هدفی والا صورت گرفته است. دیگر آنکه در سوره کهف، چندین مورد بین موحدان و مشرکان تقابل ایجاد شده و در همه موارد، خداوند حامی موحدان بوده و آنان را یاری کرده است.

کتاب شناسی

۱. ابن ابی حاتم رازی، عبدالرحمن بن ابی حاتم محمد بن ادريس، تفسير القرآن العظيم مسنداً عن الرسول ﷺ و الصحابة و التابعين، تحقيق اسعد محمد الطيب، چاپ سوم، رياض، مكتبة نزار مصطفى الباز، ۱۴۱۹ ق.
۲. ابن جوزی، ابوالفرج عبدالرحمن بن علی، زاد المسیر فی علم التفسیر، تحقيق عبدالرزاق المهدي، بيروت، دار الكتاب العربي، ۱۴۲۲ ق.
۳. ابن رجب، زين الدين بن احمد، روائع التفسیر، عربستان سعودی، دار العاصمه، ۱۴۲۲ ق.
۴. ابن عبدالهادی حنبلی، شمس الدين محمد بن احمد، المحرر فی الحديث، تحقيق يوسف عبدالرحمن المرعشلی، چاپ سوم، لبنان، دار المعرفه، ۱۴۲۱ ق.
۵. ابن عطیه اندلسی، ابومحمد عبدالحق بن غالب، المحرر الوجیز فی تفسير الكتاب العزيز، تحقيق عبدالسلام عبدالشافی محمد، بيروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۲۲ ق.
۶. ابن کثیر دمشقی، ابوالفداء اسماعیل بن عمر، تفسير القرآن العظيم، بيروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۹ ق.
۷. اشتهاودی، علی پناه، مدارک العروه، تهران، دار الاسوة للطباعة و النشر، ۱۴۱۷ ق.
۸. پوراسماعيل، احسان، «ساخت بنا بر قبور در بررسی نگاه شیعه و سلفیه»، نشریه پژوهش دینی، دوره پانزدهم، شماره ۳۲، بهار و تابستان ۱۳۹۵ ش.
۹. جزایری، سیدنعمه الله، عقود المرجان فی تفسير القرآن، قم، نور وحی، ۱۳۸۸ ش.
۱۰. جلیلی، سیدهدایت، و انسیه عسگری، «تفسیر مقارن / تطبیقی: فرازبانی لغزان و لرزان»، پژوهشنامه تفسیر و زبان قرآن، سال دوم، شماره ۲ (پیاپی ۴)، بهار و تابستان ۱۳۹۳ ش.
۱۱. حسینی شاه عبدالعظیمی، حسین بن احمد، تفسیر اثنی عشری، تهران، میقات، ۱۳۶۳ ش.
۱۲. حسینی شیرازی، سیدمحمد، من فقه الزهراء علیها السلام، قم، رشید، ۱۴۲۸ ق.
۱۳. حسینی همدانی، سیدمحمدحسین، انوار درخشان در تفسیر قرآن، تحقيق محمدباقر بهبودی، تهران، کتاب فروشی لطفی، ۱۴۰۴ ق.
۱۴. حقی بُروسوی، اسماعیل بن مصطفی، روح البیان فی تفسیر القرآن، بيروت، دار الفکر، بی تا.
۱۵. خازن، علاءالدین علی بن محمد بن ابراهیم بغدادی، تفسیر الخازن المسمی لباب التأویل فی معانی التنزیل، تحقيق محمد علی شاهین، بيروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۵ ق.
۱۶. رضایی، غلامرضا، «مشروعیت دعا نزد قبور اولیای الهی»، نشریه کلام اسلامی، شماره ۹۵، پاییز ۱۳۹۴ ش.
۱۷. زمخشری، جارالله محمود بن عمر، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الاقاویل فی وجوه التأویل، تصحیح مصطفی حسین احمد، چاپ سوم، بيروت، دار الكتاب العربي، ۱۴۰۷ ق.
۱۸. سبحانی، جعفر، «آیا بنا بر روی قبور جایز است؟»، دفتر آیه الله جعفر سبحانی، بی تا.
۱۹. سید بن قطب بن ابراهیم شاذلی، فی ظلال القرآن، چاپ هفدهم، بيروت، دار الشروق، ۱۴۱۲ ق.
۲۰. سیوری حلی (فاضل مقداد)، جمال الدین مقداد بن عبدالله، کنز العرفان فی فقه القرآن، قم، مرتضوی، ۱۴۲۵ ق.
۲۱. سیوطی، جلال الدین عبدالرحمن بن ابی بکر، الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور، قم، کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۴ ق.
۲۲. شنقیطی، محمد امین بن محمد مختار الجکئی، اضواء البیان فی ایضاح القرآن بالقرآن، بيروت، دار الفکر للطباعة و النشر و التوزیع، ۱۴۱۵ ق.

۲۳. شوکانی، محمد بن علی بن محمد صنعانی، *فتح القدير الجامع بين فنى الرواية و الدراية من علم التفسير*، دمشق - بيروت، دار ابن كثير - دار الكلم الطيب، ۱۴۱۴ ق.
۲۴. صديق حسن خان، محمد، *فتح البيان فى مقاصد القرآن*، بيروت، المكتبة العصرية للطباعة و النشر، ۱۴۱۲ ق.
۲۵. طباطبایى، سيد محمد حسين، *تفسير الميزان*، ترجمه سيد محمد باقر موسوى همدانى، چاپ پنجم، قم، جامعه مدرسين حوزه علميه قم، ۱۳۷۴ ش.
۲۶. طبرسى، فضل بن حسن، *تفسير مجمع البيان*، تهران، فراهانى، بى تا.
۲۷. طبرى، محمد بن جرير، *جامع البيان عن تأويل آى القرآن*، تحقيق عبدالله بن عبدالمحسن التركى، قاهره، دار هجر للطباعة و النشر و التوزيع و الاعلان، ۱۴۲۲ ق.
۲۸. طبیب، سيد عبدالحسين، *اطيب البيان فى تفسير القرآن*، چاپ دوم، تهران، اسلام، ۱۳۷۸ ش.
۲۹. عاملی، ابراهيم، *تفسير عاملى*، تحقيق على اكبر غفارى، تهران، كتاب فروشى صدوق، ۱۳۶۰ ش.
۳۰. علامه حلى، ابومنصور جمال الدين حسن بن يوسف بن مطهر اسدى، *كشف اليقين فى فضائل امير المؤمنين عليه السلام*، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامى، ۱۴۱۱ ق.
۳۱. عندليبى، رضا، «بررسى فقهى مكان نماز در كنار قبور معصومين عليه السلام»، *پژوهشنامه حج و زيارت*، دوره اول، شماره ۲، پاييز و زمستان ۱۳۹۵ ش.
۳۲. فخرالدين رازى، ابو عبدالله محمد بن عمر تميمى بكرى شافعى، *التفسير الكبير؛ مفاتيح الغيب*، چاپ سوم، بيروت، دار احياء التراث العربى، ۱۴۲۰ ق.
۳۳. فرمانيان، مهدى، و مجتبى صداقت، «زيارت قبور و دلايل عالمان شيعه بر مشروعيت آن»، *نشریه شيعه‌شناسى*، دوره يازدهم، شماره ۴۱، بهار ۱۳۹۲ ش.
۳۴. فيض كاشانى، محمد محسن بن شاه مرتضى، *تفسير الصافى*، تحقيق حسين اعلمى، چاپ دوم، تهران، مكتبة الصدر، ۱۴۱۵ ق.
۳۵. قاسمى، محمد جمال الدين، *تفسير القاسمى المسمى محاسن التأويل*، تحقيق محمد باسل عيون السود، بيروت، دار الكتب العلمية، ۱۴۱۸ ق.
۳۶. قرشى بنابى، سيد على اكبر، *تفسير احسن الحديث*، تهران، بنياد بعثت، ۱۳۷۵ ش.
۳۷. كاشانى، ملا فتح الله بن شكرالله، *تفسير منهج الصادقين فى الزام المخالفين*، تهران، الاسلاميه، ۱۳۶۳ ش.
۳۸. مجلسى، محمد باقر بن محمد تقى، *بحار الانوار الجامعة لدرر اخبار الائمة الاطهار عليهم السلام*، بيروت، مؤسسة الطبع و النشر، ۱۴۱۰ ق.
۳۹. مغنيه، محمد جواد، *التفسير المبين*، قم، بنياد بعثت، بى تا.
۴۰. مكارم شيرازى، ناصر، *الشيعه شبهات و ردود*، ترجمه احمد محمد الحرز، قم، مدرسه امام على عليه السلام، ۱۴۲۸ ق.
۴۱. مكارم شيرازى، ناصر و جمعى از فضلا، *تفسير نمونه*، تهران، دار الكتب الاسلاميه، ۱۳۸۶ ش.
۴۲. مناوى، زين الدين محمد عبدالرؤف، *فيض القدير شرح الجامع الصغير*، مصر، المكتبة التجارية الكبرى، ۱۳۵۶ ق.
۴۳. وحيد بهبهانى، محمد باقر بن محمد اكمل، *حاشية الوافى*، قم، مؤسسة العلامة المجدد الوحيد البهبهانى، ۱۴۲۶ ق.
۴۴. همدانى، آقارضا بن محمد هادى، *مصباح الفقيه*، قم، مؤسسة الجعفرية لحياء التراث و مؤسسة النشر الاسلامى، ۱۴۱۶ ق.